

رابطه یادگیری مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان در

کاهش آسیب‌های اجتماعی^۱

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۸/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۹/۰۴)

زهره قاسم زاده

چکیده

بدون شک آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان و تقویت روابط اجتماعی کودکان به آن‌ها کمک می‌کند تا نه تنها در برقراری روابط دوستانه با دیگران موفق باشند بلکه به واسطه‌ی همین روابط اجتماعی، فرصت‌های شغلی بهتری در آینده داشته باشند. بنابراین والدین و معلم، موظف هستند تا نسبت به تقویت روابط اجتماعی دانش‌آموزان و یادگیری روابط اجتماعی آن‌ها حساس باشند. ارتباط برقرار کردن و حضور مستمر در فعالیت‌های گروهی یکی از موضوعاتی است که زندگی فردی و اجتماعی هر کس را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آموزش و تقویت روابط اجتماعی در فرزندان می‌تواند در کسب موقعیت‌های شغلی آن‌ها در آینده کمک کند. آموزش این روابط از دوران کودکی و قبل از ورود به مدرسه باید توسط والدین به آن‌ها داده شود. کودکانی که قبل از شروع مدرسه این آداب را یاد گرفته‌اند بهتر از سایرین می‌توانند جدا شدن از پدر و مادر و ورود به محیط آموزشی جدید را بپذیرند. البته آموزش والدین هیچ‌کدام از مسئولیت‌های معلم و کادر آموزشی را برای تقویت این مهارت

^۱ این مقاله به عنوان یکی از ده مقاله برتر ششمین همایش موسسه قانون یار در تاریخ بیست و نهم آذرماه بروجرود با عنوان ششمین همایش جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان انتخاب گردید و به صورت رایگان و بدون انجام پروسه داوری در نشریه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی پذیرش شد....

کم نمی‌کند. دانش‌آموزانی که مهارت‌های اجتماعی را کسب می‌کنند، معمولاً در بین همسالان محبوب‌ترند، نمرات بالایی دارند و مورد توجه دبیران قرار می‌گیرند. از طرفی پایین بودن روابط اجتماعی کودکان باعث منزوی شدن و بروز عواقب دراز مدت بر سلامت روانی آن‌ها می‌شود. به همین دلیل آموزش این روابط به کودکان در مدارس یکی از موارد ضروری برای غلبه بر مشکلات پیش روی آن‌ها است. لذا دانش‌آموزان آن‌طور که داشتن مهارت آموزشی و مهارت اجتماعی خوب می‌تواند او را موفق کند استفاده نکردن از این مهارت‌ها باعث می‌شود که دچار آسیب‌های اجتماعی فراوانی در جامع شود بنابراین ارتباط برقرار کردن بین یادگرفتن مهارت اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی برای یک فرد برعهده خانواده و مدرسه و معلم می‌باشد تا بتوانند یک فرد در راستای این موضوع موفق شود.

مقدمه

گسترش روز افزون آسیب‌های اجتماعی (ترک تحصیل، فرار از مدرسه، اعتیاد، سرقت، تشکیل گروه‌های معارض و نندالیسم و...) به ویژه در سال‌های اخیر در بین دانش‌آموزان و همچنین شیوع مفسده‌های آشکار و پنهان، افزایش قابل توجه بزهکاری‌ها و کژروی‌های اجتماعی و آلودگی به مواد مخدر، به ویژه در میان جوانان و نوجوانان جامعه مستلزم تعمق و چاره‌اندیشی اساسی است.

طبق تحقیقات و مطالعات انجام شده، یکی از مسائلی که در مقطع ابتدایی و دیگر مقاطع از اهمیت زیادی برخوردار است، داشتن مهارت اجتماعی دانش‌آموزان است.

دهه ۸۰ نقطه انفجار آسیب‌های اجتماعی است و ما نمی‌توانیم از کاهش یا برطرف کردن این آسیب‌ها صحبت کنیم، زیرا چنین کاری ممکن نیست و تنها راه چاره کنترل این آسیب‌هاست. تمام آسیب‌های اجتماعی میل به گسترش دارند که اگر در شکل ساختاری به صورت جدی قصد پیشگیری داشته باشیم، شاید تا حدودی موفق شویم. بنابراین انجام هرگونه برنامه-ریزی و فعالیت در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی در بین نوجوانان جامعه از چند جهت ضروری است چرا که از یک طرف با کاهش آسیب‌های اجتماعی، ضریب امنیت اجتماعی بالا رفته، از طرف دیگر سرمایه‌ای که به دلیل افت تحصیلی و فرار از مدرسه هزینه می‌شود، کاهش می‌یابد، هزینه‌هایی که صرف ایجاد امنیت در جامعه می‌گردد در امر آموزش و تعالی فرهنگی جامعه صرف می‌شود، پس می‌تواند تا در راستای شناخت عوامل کنترل‌کننده و کاهش دهنده آسیب‌های اجتماعی تلاش بیشتری کنیم.

به طور کلی دو نوع نگرش نسبت به آسیب های اجتماعی وجود دارد: یک نگرش که عمدتاً متوجه چگونگی جرایم و نفس بزه های اجتماعی، شیوع، گستردگی، عمق، شدت و آثار ناصواب آن است. صاحبان چنین نگرشی، بیشترین هم خود را در جهت وضع قوانین گوناگون، ساخت زندان، مبارزه با کثروی ها و بالطبع مبارزات مجرمان، به خصوص از طریق زندان صرف می کنند. نگرش دیگر معطوف به خصیصه ها و توانایی های اجتماعی فرد بزهکار است که مرتکب جرم می شود. درواقع در این نوع نگرش محور توجه، انسان هایی اند که به رغم مشابهت فراوان با بسیاری از همسالان خود از نظر شرایط اقتصادی - اجتماعی، به علل خاصی (عدم آشنایی کافی با مهارت های اجتماعی) دچار آسیب پذیری اجتماعی می گردند؛ صاحبان چنین نگرشی دوست دارند تمام اندیشه و تلاش خود را متوجه شناخت عوامل پدیدآیی رفتارهای آسیب زا نمایند و راه حل مسئله را در آموزش و ارتقای سطح آگاهی مهارت ها و انطباق پذیری اجتماعی فرد می دانند.

بخش اول - مفهوم شناسی

بند اول: تعریف آسیب اجتماعی

آسیب های اجتماعی به مفهوم رفتاری است که به طریقی با انتظارات مشترک اعضای یک جامعه سازگاری ندارد و بیشتر افراد آن را ناپسند و نادرست می دانند در واقع هر جامعه از اعضای خود انتظار دارد از ارزشها و هنجارها تبعیت کنند اما همواره عده ای راههای پیشگیری از آسیب های اجتماعی در مدارس پیدا می شوند که پاره ای از این ارزشها و هنجارها را رعایت نمی کنند، جامعه افرادی که هماهنگ و همساز با ارزشها و هنجارها باشند سازگار یا همنا و اشخاصی را که بر خلاف آنها رفتار می کنند نا سازگار یا ناهمنا می خوانند از میان

افراد نابهنجار کسی که رفتار نابهنجارش زودگذر نباشد و دیر گاهی دوام آورد، کجرو یا منحرف نامیده می‌شود و رفتار او را انحراف اجتماعی یا آسیب اجتماعی می‌خوانند. جا معه شناسی و جرم شناسی متوجه آن دسته از نقض هنجارهاست که توسط عده ی زیادی از مردم گناه تلقی می گردد از این رو انحراف یا آسیب اجتماعی به رفتارهایی اطلاق می گردد که هنجارهای اجتماعی را نقض کرده و در نتیجه از نظر تعداد بسیاری از مردم قابل نکوهش است.

بند دوم: تعریف مهارت اجتماعی

مجموعه توانمندی هایی است که موجب موفقیت در زندگی اجتماعی فرد می شود. هر فرد برای زندگی موفق در یک جامعه، علاوه بر مهارت های فردی به مهارت های دیگری نیاز دارد که از آن به نام مهارت های اجتماعی یاد می کنند. (پیتروست وود، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴)

مهارت های اجتماعی، روشی برای بهبود مهارت های اجتماعی دانش آموزان است. آموزش مهارت اجتماعی بر پایه این اصل قرار دارد که مشکلات کودکان در مهارت های اجتماعی غالباً به این دلیل است که کودکان نمی دانند در موقعیت های اجتماعی چه کار کنند و می توان کودکان را برای غلبه بر این مشکلات آموزش داد. (دیوید رینولدز، ۱۳۸۴: ص ۹۶) بخش هایی از رفتار که از جهت آغاز و پایداری روابط مثبت با دیگران برای فرد مهم هستند. (کتاب آموزش و پرورش کودکان با نیاز های ویژه)

در تعریف مهارت اجتماعی، ویژگی های ذیل مورد قبول اکثر محققان است:

۱- ارتباط فرد به فرد که شامل تبادل و تفسیر پیام هاست.

۲- عوامل موقر در یادگیری رشد پیدا می‌کنند و علاوه بر شخصیت فرد تجارب گذشته و تعامل بین فردی او نیز در رسیدن به هدف موثر است.

۳- به صورت کلامی (سخن، لغات یا جملات) و یا غیر کلامی (استفاده از چشم، تن صدا، بیان چهره ای و ژست‌ها) می‌باشد.

۴- از فرهنگ و گروه اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند، تأثیر می‌پذیرد.

۵- از طریق اجتماعی رشد پیدا می‌کند. این تقویت در صورتی مؤثر که مورد علاقه فرد بوده برانگیزاننده باشد.

۶- طبیعت دو جانبه دارد و رفتارهای دو سویه را می‌طلبند. از عوامل محیطی، سن، جنس و موقعیت دیگر افراد، تأثیر می‌پذیرد

در ارزیابی نشانه‌های مهارت اجتماعی به شش عنصر اصلی باید اشاره کرد:

۱- مهارت‌های اجتماعی به طور معمول آموخته می‌شوند.

۲- شامل مجموعه‌ای از رفتارهای کلامی و غیر کلامی گوناگون ویژه‌اند.

۳- مستلزم داوطلب شدن و ارائه پاسخ‌های مناسب و مؤثرند.

۴- تقویت‌های اجتماعی دیگران را به حداکثر می‌رسانند.

۵- ماهیتی تعاملی دارند و به زمان‌بندی مناسب و تأثیر متقابل برخی از رفتارها احتیاج دارند.

۶- تحت تأثیر عوامل محیطی همچون سن، جنس، پایگاه طرف مقابل می‌باشند.

بخش دوم- عوامل مؤثر در ایجاد آسیب های اجتماعی

مطالعات انجام شده در ارتباط با آسیب های اجتماعی، عوامل زیر را منشاء بسیاری از انحرافات اجتماعی قلمداد نموده اند. در این بخش هر یک از عوامل به اجمال مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- نابرابری های اقتصادی و اجتماعی: اختلافات طبقاتی هر جامعه، افراد را در موقعیت

هایی قرار می دهند که نمی توانند نقش های اجتماعی مناسب خود را بیابند و موجب اختلاف در هنجارهای اجتماعی می شود. در نتیجه، ستیزه هنجارهای اجتماعی، تفاوت معیارها را به وجود می آورد و عدم تعهد به معیارها و تردید در اصالت آنها، عدم پابندی به قوانین را ایجاد می کند که این به نوبه خود تضادهای اجتماعی را افزایش می دهد. درون این تضاد، کشش به سمت انحرافات اجتماعی وجود دارد.

۲- رفاه اقتصادی خانواده: در خانواده هایی که رفاه و درآمد اقتصادی زیاد است، روابط

انسانی بر اثر کثرت کار و یا سرگرمی ضعیف تر می گردد. ضعف روابط انسانی به نوبه خود عامل مساعدی برای کشش به سوی انحرافات اجتماعی است. امروزه والدین و فرزندان نسبت به هم احساس و عاطفه گذشته را ندارند، چون با یکدیگر تماس و ارتباط کمتری دارند و از طرف دیگر افرادی که درآمد بیشتر از حد دارند، موقعیت و زمینه مساعدتری برای تفریحات متنوع در داخل و یا خارج از کشور را دارند و بدیهی است که این قبیل امکانات برای مصرف و فروش مواد مخدر زمینه بسیار مساعدی است.

۳-قر مادی خانواده: در مطالعات علمی نشان داده شده است که فقر مبنا و اساس انحرافات اجتماعی است. از آن جایی که بیشتر مجرمین، معتادین به مواد مخدر و الکل، مبتلایان به امراض روانی و اشخاصی که اقدام به خودکشی می نمایند، از طبقات پایین اجتماعی بوده اند در عصر حاضر از فقر به عنوان عامل عمده انحرافات اخلاقی یاد شده است. ارتکاب جرائم طبقات فقیر از شکافی که بین خواسته های جوانان آن طبقه با آن چه که در دسترس آنهاست، سرچشمه می گیرد. عمده ترین علت انحرافات اخلاقی طبقه فقیر نتیجه فشارهای حاصله از شکست در رسیدن به هدف های معین است.

۴-بیکاری: بیکاری به عنوان یک مسئله اجتماعی زمینه مساعدی برای انحرافات اجتماعی است. افراد بیکار بیشترین اوقات خود را در اماکن عمومی از جمله پارک ها می گذرانند و این گونه اماکن، بهترین و مناسب ترین مکان برای کشش به سمت انحرافات اجتماعی از جمله اعتیاد است.

۵-رشد صنعت و پیشرفت تکنولوژی: اگر در جامعه ای رشد صنعت به سرعت افزایش یابد و درآمد ناشی از آن صنعت به طور عادلانه توزیع نگردد، امکان وقوع سه اتفاق وجود دارد:

اولاً کارکنان برای اداره زندگی خود مجبور می شوند ساعات بیشتری را به کار مشغول شوند و این به نوبه خود موجب خستگی جسمی و روحی در افراد می شود.

اگر در آن جامعه برای تفریح و گذراندن اوقات بیکاری مردم از طرف دولت برای استفاده از اوقات فراغت، برنامه ریزی های اجتماعی نشده باشد، زمینه مساعدی برای گرایش به انحرافات اجتماعی فراهم می شود.

ثانیاً مشکل ترافیک در شهرهای بزرگ منجر به خستگی ناشی از کار در افراد شده در نتیجه والدین قدرت تربیت و سرپرستی فرزندانشان را نخواهند داشت و بی توجهی نسبت به پرورش کودکان و نوجوانان به گرایش آنان به سمت انحرافات اجتماعی از قبیل اعتیاد، سرقت و... کمک خواهد کرد.

ثالثاً رشد شهرها باعث افزایش فاصله و شکاف طبقاتی شده و این خود به خود باعث می شود برقراری ارتباط با دوستان و خویشاوندان کمتر شده و زمینه برای ایجاد انحرافات اجتماعی فراهم شود.

۶-ستیزه والدین: اختلافات زناشویی و نزاع بین پدر و مادر باعث می شود محیط خانواده برای تربیت فرزندان، ناامن و نامناسب شود. وقتی خانواده، کانون و محیط مناسبی برای زندگی نباشد، انسان سعی می کند بیشترین اوقات خود را در خارج از خانواده بگذراند و این کار ارتباط او را با دیگرانی که چون شکارچیان ماهری به دنبال شکار می گردند، زیاد می کند و آنها پس از شناخت مشکل شخص در نقش انسانی دلسوز ظاهر شده و برای فرار از این واقعیت تلخ، فرد را به سوی اعتیاد و دیگر انحرافات اجتماعی فرا می خواند. هر چقدر ستیزه های خانوادگی بیشتر باشد، احتمال کشش به طرف انحرافات اجتماعی بیشتر است.

۷- شیوه های تربیتی والدین: مطالعات و تحقیقات نشان می دهد که رفتارهای کودکان و نوجوانان با شیوه های تربیتی والدین رابطه مستقیم و تنگاتنگ دارد. شیوه های تربیتی والدین می بایست با سطح نیازها و خواسته های مختلف فرزندان و همچنین با متدهای تربیتی صحیح اسلامی هماهنگ باشد. چنانچه والدین از شیوه های تربیتی مبتنی بر اصول اعتقادی و مذهبی استفاده نمایند، نتیجه مطلوب در رفتار فرزندان منعکس خواهد شد.

۸) عدم آگاهی و بینش صحیح والدین: مطالعات نشان می دهد کسانی که محروم از تحصیلات بوده و بینش صحیح نسبت به جامعه، تربیت و... نداشته باشند، امکان فریب خوردن و انعطاف پذیری آنها برای ارتکاب به کارهای انحرافی و برخلاف قانون بیشتر است. چون تخصص و آگاهی ندارند، نمی توانند از طریق عادی، زندگی خود را تأمین کنند و به همین دلیل است که جامعه شناسی یکی از راه های پیشگیری از جرائم را عدالت آموزشی می داند.

بخش سوم: نقش مهارت اجتماعی در مدارس

برای زندگی موفق در جامعه نیاز به روابط درست با افراد جامعه است. هر فردی برای حضور در جامعه در هر مقطع سنی و هر شرایطی از جمله دوران تحصیل، در شغل و یا روابط با دوستان نیاز به مهارت های اجتماعی و رعایت آداب اجتماعی درست خواهد داشت. بنابراین کودکان و دانش آموزان باید علاوه بر مهارت های فردی بتوانند مهارت اجتماعی خود را تقویت کنند. به عنوان والدین فرزند خود بهتر است به فکر این مساله باشید که بتوانید مهارت های اجتماعی درست را به فرزند خود یاد دهید. حضور در جامعه و ارتباط برقرار کردن

با افراد نیاز ضروری امروز است. کودکان برای آن که خودشان را با اجتماعی که در آن زندگی می کنند، سازگارتر کنند باید انواع مهارت های اجتماعی را فرا بگیرند.

شروع مهارت های یادگیری دانش آموزان از خانواده شروع می شود. مدارس نیز منبع مفیدی برای یادگیری مهارت های اجتماعی است. مهارت های اجتماعی که کودک لازم است فرا بگیرد در برگیرنده طیف وسیعی از توانایی های گروهی، از آغاز، حفظ و پایان یک مکالمه ساده تا تشخیص علائم ارتباط اجتماعی و حتی پیچیده ترین آن ها مثل، فرایند حل مشکل و تعارض های به وجود آمده است. والدین می توانند مهارت های اجتماعی دانش آموزان را با استفاده از روش های گوناگون مثل مدل سازی، نقش بازی کردن و اجرای نمایش و تمرین به فرزندانشان بیاموزند.

• مهارت های اجتماعی دانش آموزان در مدرسه به خاطر ارتباط با افراد بیشتر پرورش پیدا می کند. چگونه خندیدن، رعایت فاصله اجتماعی نسبت به دیگران، چگونگی صحبت کردن، احوالپرسی با دیگران، گفتگو کردن با دیگران، بازی و کار کردن با دیگران، جلب توجه و درخواست کمک، توانایی مهار پرخاشگری، آراستگی و بهداشت پایه و اساس مهارت های اجتماعی دانش آموزان است.

دانش آموزان باید برای ارتباط درست تحت تعلیم قرار بگیرند. تاثیر مدارس بر آموزش مهارت های اجتماعی کاملاً مشهود است. فعالیت های گروهی که در مدارس صورت می گیرد یکی از مهارت های اجتماعی در دانش آموزان را با عنوان همکاری داشتن تقویت کند. دوست بودن، کمک کردن، مشارکت در امور از جمله مهارت های اجتماعی در دانش آموزان مدارس تقویت خواهد شد.

پیروی از قانون و نظم و انضباط که از مهارت‌های اجتماعی است در مدارس به دانش آموزان آموزش داده می‌شود.

✓ رعایت نوبت

✓ احترام به دیگران

✓ وظیفه شناسی (کارهای گروهی)

✓ خوب گوش کردن به حرف دیگران

✓ برقراری رابطه مثبت و متقابل

✓ رفتار مناسب و احترام به خود

✓ بخشش

✓ صبر و شکیبایی داشتن

✓ پذیرش اختلاف نظرها

✓ مودب و فروتن بودن

نیز از دیگر مهارت‌های اجتماعی در دانش آموزان است که در فرآیند و روال کارهای مدرسه دانش آموزان به صورت کاملاً کاربردی آن‌ها را فرا می‌گیرند.

بخش چهارم- نحوه آموزش دادن مهارت اجتماعی در مدارس

بند اول: آموزش مهارت اجتماعی به دانش آموزان

مهارت‌های اجتماعی برای داشتن روابط سالم در جامعه بسیار اثرگذار است. بنابراین باید فرهنگ سازی درست برای آموزش مهارت اجتماعی به کودکان در جامعه رواج پیدا کند. آموزش مهارت اجتماعی درست از یک خانواده سالم شروع می‌شود. هنگامی که کودک برخورد والدین خود را با یک دیگر می‌بیند به نا خود آگاه در حال یادگیری مهارت‌های اجتماعی است. قدم بعدی روابط‌های خانوادگی است که بر آموزش مهارت‌های اجتماعی کودک تاثیر خواهد گذاشت. بعد از آن کودک به مدرسه ورود پیدا می‌کند و با افراد بیشتری ارتباط پیدا می‌کند. آموزش صحیح مهارت‌های اجتماعی به کودکان جامعه ای سالم را می‌سازد.

* داشتن رفتار خوب

همان طور که گفته شد آموزش از خانواده شروع خواهد شد. بنابراین به کودک خود پیاموزید که از کلماتی مانند "لطفاً" و "از شما متشکرم" استفاده کند چون برای کودک مهم است مودب باشد.

* داشتن مهارت‌های ارتباطی

آموزش مهارت اجتماعی به کودکان مهم است. کودک باید بتواند مکالمه خوبی داشته باشد. معرفی مودبانه خود، ارتباط چشمی با طرف دیگر، گوش دادن و به اشتراک گذاری مناسب، چیزهای بحرانی در مکالمه خوب هستند که می‌توانید به کودک آموزش دهید.

*** کنترل احساسات**

زمان هایی وجود خواهد داشت که کودک ممکن است احساس اضطراب کند و بخواهد کاری انجام دهد. برای آموزش مهارت اجتماعی به کودکان نیاز دارید به کودک یاد دهید چگونه احساسات خود را در شرایط خاص کنترل کند.

*** داشتن صبر**

آموزش مهارت اجتماعی به کودکان و صبر داشتن یک مسئله مهم در مهارت های اجتماعی است. صبر یک ارزش مهم است که کودک باید از روی جوانان یاد بگیرد.

بند دوم: چگونه مهارت های اجتماعی را به دانش آموزان آموزش دهیم؟

دانش آموزان برای آنکه بتوانند خودشان را با اجتماعی که در آن زندگی می کنند، سازگارتر کنند، باید مهارت های اجتماعی گوناگون را بیاموزند.

مهم ترین مهارت های اجتماعی لازم برای دانش آموزان، عبارتند از:

۱-سلام کردن: دانش آموزان از طریق تعامل با همسالان شان با آنها ارتباط برقرار می کنند. نخستین گام در برقراری ارتباط، سلام کردن به دیگری است. ما نه تنها با استفاده از واژگانی مثل «سلام» و «حالت چطور»، بلکه با تغییر حالت چهره، تن صدا، ژست و فرم نشستن و ایستادن نیز با افراد دیگر ارتباط برقرار می کنیم. دانش آموزانی که مشکل ارتباطی دارند، ممکن است به افراد آشنای خود هم سلام نکنند. آنها ممکن است درست کنار دوست شان راه بروند، ولی حتی یک نگاه هم به او نکنند یا اگر حرفی بزنند، احتمالاً تماس چشمی با او برقرار

نمی‌کنند و سرشان را به زیر می‌اندازند. در مواردی، اگر سلام هم بگویند، ممکن است تن صدای شان چندان دوستانه و صمیمی نباشد. بخش غیر کلامی سلام کردن هم به اندازه بخش کلامی آن اهمیت دارد.

هنگام سلام کردن مهم نیست که کودک از چه عبارت و جمله‌ای استفاده می‌کند یا با چه لحن و حالتی جمله‌اش را بیان می‌کند، مهم آن است که طوری به دوستش سلام کند که او از دیدنش احساس شادی و خوشحالی کند.

۲-پیش قدم شدن در گفت‌وگو: بعد از سلام و احوال پرسی، معمولاً گفت‌وگو شروع می‌شود. برای ورود به بحث، دانش آموز باید بتواند مکالمه‌ای را آغاز کند، ادامه دهد و به پایان برساند. این مهارت مستلزم خوب گوش دادن و توجه کردن است. برای مثال، او باید اصل «رعایت نوبت» را بداند.

گاهی دانش آموزان موضوعی برای صحبت کردن با یکدیگر ندارند، در اینگونه موارد می‌توانند پرسشی را مطرح کنند؛ مثل کارتون خرس‌ها را دیده‌ای؟ یا می‌دانی در مدرسه چه اتفاقی افتاده است؟ موضوع بحث باید برای هر دو طرف جالب و جذاب باشد تا هر دو را به نوعی درگیر صحبت کند. مکالمه یکطرفه موجب خستگی و کسالت دو طرف می‌شود و ممکن است موجب قطع همین ارتباط ساده هم شود. حتی ممکن است تأثیری منفی در ذهن آن دو بگذارد و در آینده هم تمایلی برای صحبت کردن با هم نداشته باشند. پس گوش کردن مثل صحبت کردن مهم است. اگر کودک علاقه‌ای به آنچه دوستش می‌گوید، از خود نشان ندهد، ممکن است از صحبت کردن با او منصرف شود. کودکان کم توجه و پرتحرک، اغلب زمان صحبت کردن و گوش کردن را درست تشخیص نمی‌دهند.

۳- درک احساس شنونده: زمانی که یک گفت و گو آغاز می شود، برای حفظ و ادامه آن لازم است که گوینده به حالت های عاطفی شنونده اش توجه داشته باشد. دانش آموزانی که مشکل ارتباطی دارند، اغلب در درک احساس شنونده نیز ناتوان هستند، درحالی که کودک اجتماعی، سریع و راحت می تواند حالت های احساسی شنونده اش را بشناسد و طبقه بندی کند، آنگاه سخنانش را ارزیابی کند و براساس پاسخ هایی که از شنونده دریافت می دارد، کلماتش را انتخاب کرده و گفت و گو را ادامه دهد.

۴- همدلی کردن: همدلی کردن شبیه درک گفته های دیگران است، با این تفاوت که شنونده باید سعی کند احساسات سایر افراد را نیز درک کند. همدلی کردن این امکان را به فرد می دهد که بتواند ارتباطی واقعی با دوستانش برقرار کند. برای مثال، اگر دانش آموزی در درس ریاضی نمره ۲۰ گرفته ولی دوستش ۱۱ شده است، بتواند شادی خود را کنترل کرده و با دوستش به ابراز همدردی پردازد. او می تواند با گفتن جمله ای نظیر « اشکال ندارد، سعی کن در امتحان بعدی بیشتر درس بخوانی تا نمره بهتری بگیری»، او را دلداری دهد.

۵- یافتن نقاط مشترک: برای حفظ یک مکالمه دوستانه، توجه به نقاط مشترک هر دو طرف اهمیتی خاص دارد. این سرخ ها به دانش آموزان کمک می کند تا تمایل بیشتری برای ادامه دوستی و دیدارهای بعدی با هم داشته باشند. بخش مهم شناخت این سرخ ها، توجه به لحن و زیر و بم صدای افراد است. برای مثال هر دو از یک ویژگی آموزگارشان خوش شان بیاید یا به ورزش فوتبال علاقه مند باشند.

۶- پیش بینی کردن: برای حفظ گفت و گو، دانش آموز باید از قبل بتواند تأثیر گفته های خود را بر شنونده پیش بینی کند و افکار شنونده را در نظر داشته باشد. برای مثال، اگر احساس

می‌کند که جمله‌اش می‌تواند موجب ناراحتی، آزرده‌گی، خشم یا اندوه شنونده شود، ممکن است شیوه بیان کلمات یا جملات خود را تغییر دهد. دانش آموزان غیراجتماعی معمولاً توجهی به این نکته ندارند و قادر نیستند کلام خود را تغییر دهند.

در مورد آنچه قصد دارند بگویند، کمی فکر می‌کنند و آنگاه به زبان می‌آورند. برای مثال، وقتی دانش آموزان در حال صحبت درباره تیم ورزشی مورد علاقه‌شان هستند و از این گفت‌وگوی خود لذت می‌برند، بدیهی است اگر یک نفر به آنها بگوید «هفته دیگر امتحان ریاضی داریم، آیا شما تمرین کرده‌اید؟» خوش‌شان نخواهد آمد و او را طرد خواهند کرد. زمانی که فرد کلام دیگران را قطع می‌کند (وسط حرف دیگران می‌پرد) و بدون در نظر گرفتن شرایط فعلی جمع، سخنی می‌گوید، مورد بی‌مهری سایرین قرار خواهد گرفت.

۷- شیوه حل مسئله: بخش دیگری از مهارت اجتماعی افراد مربوط به تشخیص درست اختلاف‌ها و مسائل بین افراد است. گاهی ممکن است فردی با گفته‌های شما موافق نباشد و از شنیدن سخنان شما خشمگین شود و شروع به پرخاشگری و تندی با شما کند، در اینگونه موارد چگونگی پاسخ‌دهی شما به حالات عاطفی شنونده، تأثیر زیادی بر روند گفت‌وگو دارد. دانش آموزانی که توانایی درک اختلاف ضمن گفت‌وگو را ندارند، معمولاً دچار ضعف ارتباطی هستند. آنها خیلی زود عصبانی می‌شوند و ممکن است از صحبت کردن با شنونده تا مدت‌ها صرف‌نظر کنند.

اینگونه موارد (چگونگی پاسخ‌دهی شما به حالات عاطفی شنونده) تأثیر زیادی بر روند گفت‌وگو دارد. دانش آموزانی که توانایی درک اختلاف ضمن گفت‌وگو را ندارند، معمولاً دچار ضعف ارتباطی هستند. آنها خیلی زود عصبانی می‌شوند و ممکن است از صحبت کردن

با شنونده تا مدت ها صرف نظر کنند. اینگونه افراد می خواهند همیشه برنده باشند و اصلاً برایشان مهم نیست که چه بهایی برای این برنده شدن باید بپردازند (از دست دادن دوست). این گروه مدام در اجتماع لطمه می خورند و برای خودشان دشمن می تراشند.

اختلاف داشتن با دیگران اجتناب ناپذیر است و اغلب برای شفاف سازی موضوع باید به گفت و گو بپردازند. برای یک مکالمه و گفت و گوی دو طرفه و حفظ روابط دوستی نیاز به برنده شدن یک طرفه نیست، بلکه باید هر دو طرف از مکالمه برنده بیرون بیایند.

۸- عذرخواهی کردن: هر فردی ممکن است گاهی دچار سوء تفاهم و اشتباه در روابط اجتماعی خود با دیگران شود. فردی که از مهارت های اجتماعی بالایی برخوردار است، با اعتماد به نفس کافی پا پیش می گذارد و بابت اشتباهش عذرخواهی می کند. با این شیوه پسندیده، او سریع و آسان می تواند رفتارش را تصحیح کند. کودکانی که در مهارت های اجتماعی ضعیف هستند، هنگام بیان عذرخواهی دچار دردرس می شوند و دست و پای خود را گم می کنند. آنها می ترسند که دیگران آنها را احق بدانند در حالی که مردم معمولاً برای کسی که بابت اشتباه خود عذرخواهی می کند، احترام و ارزش بیشتری قائل هستند.

بند سوم- نقش مدرسه در اجتماعی شدن

مدرسه نهادی اجتماعی و نمایانگر فرهنگی است که مدرسه جزئی از آن است و به کودک جهان بینی و عادات و رسوم و مهارت ها و دانش خاص را منتقل می کند. مدرسه نظام اجتماعی کوچکی است که کودک در آن قواعد اخلاقی، عرف اجتماعی، نگرش ها و شیوه های برقراری ارتباط با دیگران را می آموزد. مدرسه غالباً شبکه ای از گروه همسالان برای

کودک و نوجوان مهیا می کند. نفوذی که مدرسه دارد همه به دلیل وجود شاگردان دیگر هم به دلیل وجود معلمان و برنامه ریزی درسی است. پارسونز سه کارکرد مهم برای مدرسه قایل است: وظیفه اول مدرسه جامعه پذیر کردن نسل جدید با ارزش های مسلط جامعه، بویژه با ارزش های محیط خارج از خانواده، مخصوصاً با ارزش های دنیای کار است. در مدرسه کودک ارزش های عام گرایی، عملکرد، ویژگی و بی طرفی عاطفی را درونی می کند این ارزش ها هستند که کودک با آن ها در محیط خانوادگی کمتر ارتباط پیدا می کند. از این دیدگاه مدرسه محیط جامعه پذیری اصلی برای انگیزه های اقتصادی، عقلانی است و ارزش های نوعی جامعه صنعتی می باشد. کارکرد دوم مدرسه، تربیت و آماده سازی نیروی انسانی برای تصور مشاغل گوناگون در جامعه صنعتی است. کارکرد سوم مدرسه، در سطح آموزش عالی ارتباط تنگاتنگی با تحقیقات علمی دارد. از این دیدگاه، مدرسه محل خلاقیت، نوآوری و دگرگونی است دانشگاه نه تنها انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر است، بلکه محل تولید شناخت، نقد و بررسی شناخت های موجود و تفسیر مجدد آن هاست.

بنابراین، انسان موجودی اجتماعی است که باید به همه ابعاد وجودی او زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی توجه نمود، نمیتوان او را با آموزشهای رسمی و کلاسی از گزند آسیبهای اجتماعی در امان داشت. برای رسیدن به چنین هدفی باید برنامه درسی با فعالیتهای فوق برنامه و مهارت آموزی آمیخته تانناج آموزشی و تربیتی مطلوبتری حاصل شود. مهارت آموزی کوششی است که برای تغییر رفتار افراد از طریق فرآیند یادگیری و به منظور افزایش اثربخشی آنها صورت میگیرد و علاوه بر همراه داشتن بهبود و تعالی، باعث ارتقای بینش و بصیرت شده و دانش معرفت و مهارت لازم را برای ایفای محوله به افراد این فعالیتهای در کاهش و پیشگیری

از آسیبهای فردی و اجتماعی دارای ویژگیهایی هستند که مهمترین آنها عبارتند از: اولین ویژگی فعالیتهای فوق برنامه و مهارت آموزی جنبه خود جوشی و خود انگیزی دانش آموز است. خود جوش و خود کارآمدی و فعال بودن دانش آموزان باعث بالا رفتن عزت نفس و ایجاد اعتماد به نفس در دانش آموزان میشود و در نتیجه قضاوت مثبت فرد در مورد تواناییهای خود و کشف استعدادهايش و تلاش در جهت شکوفا سازی آنان و در نهایت بکارگیری آن در جامعه می شود. وقتی دانش آموز قضاوت و باور مثبتی نسبت به توانایی خود دارد در نتیجه عملکرد او نیز مثبت و خوب خواهد شد و بالتبع می توان از عدم جذابیت مدارس کاست و بر مطلوبیت آن افزود.

لذا، یکی از وظایف اصلی نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه ای فراهم کردن زمینه و فرصتهای مناسب یادگیری به منظور رشد و شکوفایی استعدادهای گوناگون و متنوع دانش آموزان است. دومین ویژگی فعالیتهای فوق برنامه هدف گیری آن به سمت و سوی امور اجتماعی است که بعضاً در فضایی غیر از مدرسه انجام می شود نظیر همکاری در فعالیتهای اجتماعی، اردویی، مراسم ملی و نظایر آن، این فعالیتهای پل ارتباطی مناسبی میان مدرسه و جامعه خانواده ایجاد می کند و زمینه جامعه پذیری را مساعد می نماید. تداوم فعالیتهای فوق برنامه و مهارت آموزی، زمینه ساز احساس رقابت خود باوری و اجتماعی شدن احترام به خویشان خواهد شد اما برای جذب دانش آموزان به مدرسه کلاس درس را معلم با کدام روش اداره نماید معلم محوری یا دانش آموز محوری و یا تلفیقی از این دو در کلاسی که با روش معلم محوری اداره می شود بیشتر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان توجه می شود و در روش دانش آموز محوری توجه

غالب بر استقلال دانش آموزان است. بنابراین روش صحیح تلفیقی از این دو مقوله است تا روحیه خوجوشی، خودانگیزی و اجتماعی شدن در دانش آموزان تقویت شود.

با توجه به نقش مهم مدارس در تأمین بهداشت روانی دانش آموزان برنامه آموزش مهارت آموزی روش مؤثری در جهت رشد شخصیت سالم دانش آموزان و تأمین و حفظ بهداشت روانی دانش آموزان تلقی میشود. به این ترتیب مدارس به جای اینکه تنها بر افزایش عملکرد تحصیلی دانش آموزان تمرکز نمایند باید بر تأمین و حفظ روان آنان نیز تأکید نمایند و اقدامات لازم را به منظور تحقق هدف مذکور انجام دهند چرا که اگر هدف فوق تحقق یابد بسیاری از مشکلات تحصیلی و آموزشی نیز خود به خود کاهش می یابند.

بخش پنجم: چه مهارت های اجتماعی باعث کاهش آسیب های اجتماعی می شوند؟

***مهارت تفکر انتقادی:** منظور از تفکر انتقادی، انتقاد کردن از گوینده یا نویسنده یا خبر و نتیجه نیست، بلکه منظور نقد درست مطلب از طریق تحلیل قضایا و یافتن رابطه های علت و معلولی و کشف نکته های مثبت و منفی مرتبط با موضوع است. وقتی فرد از مهارت تفکر انتقادی برخوردار باشد، می تواند با سبک و سنگین کردن نقاط قوت و ضعف هر موضوع و در نظر گرفتن همه ی جوانب ممکن، بهترین قضاوت و داوری را نسبت به آن ارائه کند.

***مهارت تصمیم گیری:** این مهارت به مهارت تفکر انتقادی وابسته است که خود به مهارت فردی در تحلیل قضایا وابسته است. تحلیل های درست، فرد را به شناخت درست نقاط قوت و ضعف رهنمون می شود و این شناخت درست در جای خود به تصمیم گیری صحیح فرد کمک

می‌کند. فرد ماهر در این مرحله کسی است که بتواند با توجه به تحلیل درست موضوعات، رخدادها و پدیده‌ها و قضایا و در نظر گرفتن تمام جوانب مثبت و منفی مرتبط با موضوع، به تصمیمی منطقی و درست و عقلانی برسد.

***مهارت حل مسئله:** مسأله‌ها را از راه‌های گوناگون می‌توان حل کرد. بسیاری از مسأله‌ها را افراد گوناگون یکسان حل می‌کنند. یعنی از راهی آشنا، یاد گرفته شده و سهل الوصول استفاده می‌کنند. اما ضرورت آموزش و یادگیری قرن بیست و یکم، این است که افراد برای جست‌وجوی راه‌های بکر و خلاق و منحصر به فرد تربیت شوند. یافتن راه‌حل‌های خلاق برای حل مسائل اجتماعی، موجبات پیشرفت‌های اجتماعی را فراهم می‌کند. جست‌وجوی راه‌های بکر و خلاق برای حل مسائل، نشاط و شادی و ارضای فرد را نیز موجب می‌شود و خود انگیزی برای یادگیری‌های بعدی را به وجود می‌آورد.

***مهارت برقراری ارتباط:** زندگی اجتماعی بدون برقراری ارتباط ممکن نیست. اگر ارتباطات اجتماعی درست نباشد، انواع و اقسام مشکلات چه به صورت فردی و چه به صورت اجتماعی امکان بروز می‌یابند. لازمه‌ی تعامل درست و سازنده با دیگر افراد اجتماع، شناخت درست در چند بعد است: ۱. شناخت خود؛ ۲. شناخت دیگران؛ ۳. شناخت پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی. شناخت در هر یک از این سه زمینه، نیازمند یادگیری و آموزش درست و ممارست در تمرین آموخته‌هاست. شناخت واقع‌بینانه از مسئولیت‌ها، وظایف و حقوق خود، شناخت حقوق و مسئولیت‌های دیگران، شناخت شرایط، امکانات و پیش زمینه‌ها و پس زمینه‌های بروز اتفاقات و پدیده‌ها، لازمه‌ی اساسی و پایه‌ای برقراری ارتباط درست و مناسب است.

دیگر لازمه‌های برقراری ارتباط درست عبارت اند از:

الف) همراهی و همدلی؛ توجه به دیگران، نظر، افکار و ایده‌های آن‌ها، گوش سپردن به گفته‌های آنان و نزدیک شدن با آن‌ها از نظر فکر و روش کار، با جمع بودن، کنار جمع بودن و با جمع کار کردن، همه صورت‌هایی از همدلی و همراهی است. همکاری و اشتراک مساعی در انجام کارها از مهارت‌های بایسته‌ی امروزی است. لازمه‌ی همکاری و اشتراک مساعی پیش‌بینی هیجانات ناشی از کار جمعی، تنش‌های احتمالی و کنترل و مدیریت احساسات و هیجانات است. همدلی حاصل نمی‌شود، مگر با شناخت آسیب‌ها و آفت‌های برقراری آن و پیش‌بینی راه‌های مسالمت‌آمیز و سازنده.

ب) شناخت آفت‌های ارتباط. هر نوع ارتباطی سه جزء دارد: برقرار کننده‌ی ارتباط، فرستنده پیام و گیرنده. هر نوع ارتباط، با ابزاری معین قابل برقراری است. ممکن است گفت‌وگو ابزار برقراری ارتباط باشد و یا هر رسانه‌ای که محمل ارتباط قرار گیرد. آن چه مهم است، سلامتی برقراری ارتباط است. سلامتی ارتباط همیشه به وسیله‌ی آفت‌هایی چند تهدید می‌شود؛ آفت‌هایی مثل: خشونت، خشم، حسد، رقابت ناسالم، زیاده‌خواهی، خودخواهی و خودپسندی، یکجانبه‌نگری، قدرت‌طلبی، یک‌تازی، نادیده گرفتن افکار، ایده‌ها و نظرهای مخاطب و نادرست استفاده کردن از ابزارهای ارتباطی. سلامتی ارتباط هم به صبوری و بردباری، سعه‌ی صدر، گذشت، ایثار، رعایت حقوق دیگران، صمیمیت و مهربانی، مشارکت و تشریک مساعی نیاز دارد.

***مهارت رقابت مثبت و سازنده:** احساس رقابت در همه‌ی موجودات زنده وجود دارد.

رقابت گزینه‌ی ای برای اثبات وجود است و می‌تواند هم نتایج خوب و هم نتایج بد به بار آورد؛

البته تا جایی که به خودنمایی و خودبینی مبدل نشود، مثبت و خوب است. به طور کلی، رقابت عامل مهم در نظام‌های آموزشی است، زیرا هر نظام آموزشی مایل است بهترین‌ها را گزینش کند و امتیازاتی را برای آن‌ها قائل شود.

همین تمایل و همین الزام به گزینش، رقابت را برای گرفتن امتیاز بیشتر شدیدتر می‌کند. گاهی هم وجود شرایطی مثل ظرفیت کم و تقاضای زیاد، رقابت را الزام آور می‌کند. نوع شدت یافته‌ی رقابت وقتی است که با زیاده‌خواهی، رعایت نکردن حقوق دیگران و پرخاشگری همراه شود. صاحب‌نظران تعلیم و تربیت درباره‌ی ترغیب یا تکذیب رقابت در مدارس توافق ندارند. بعضی معتقدند که رقابت ضد همکاری گروهی، تعاون، وحدت، یکدلی و یکرنگی و مشارکت و تشریک مساعی است.

اما گروه موافق معتقدند که رقابت بخشی از فرهنگ است و از آن جا که انتقال فرهنگ یکی از وظایف آموزش و پرورش است، بنابراین رقابت هم که جزئی از فرهنگ است، باید مورد توجه قرار بگیرد. رقابت دو صورت کلی دارد: ۱. رقابت بیرونی؛ ۲. رقابت درونی. در رقابت بیرونی، افراد با یکدیگر مقایسه می‌شوند و به دلایلی خاص موضوع گزینش حتی بین خوب‌ها و برترها مطرح است و الزاماً باید نخبه‌هایی انتخاب شوند. در رقابت درونی، فرد با خودش، با گذشته‌اش و با آن‌چه قبلاً بوده است، مقایسه می‌شود. یعنی توانمندی‌های فعلی او نسبت به توانمندی‌های گذشته‌اش ارزیابی می‌شود و در واقع فرد با خودش به رقابت می‌پردازد. در حالت اول یعنی رقابت بیرونی، کوشش‌های فرد بیشتر انفرادی است و سعی فرد در جهت پیشی گرفتن از توانمندی‌های دیگران است. امتیازات بر مبنای مقایسه‌ی توانمندی‌های افراد داده می‌شود.

اما در حالت دوم یعنی رقابت درونی، کوشش‌ها هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی قابل مدیریت است. امتیازات بر مبنای توانمندی‌های فردی و در مقایسه با معیارهای از قبل تعیین شده داده می‌شود. این نوع رقابت به هیچ وجه با کار گروهی مغایر نیست و به روحیه‌ی تعاون و مشارکت‌پذیری صدمه‌ای نمی‌زند. واقعیت این است که در دنیای امروز، پرورش هر دو نوع مهارت، به تناسب شرایط و الزامات، لازم است. دانش‌آموز امروزی باید با ویژگی‌های هر دو نوع رقابت آشنا باشد، مزایا و معایب هر کدام را بداند و بتواند به موقع در شرایط موجود از مزایای رقابت استفاده کند و از معایب آن بپرهیزد. آن چه از نظر معلمان و دانش‌آموزان و اولیاء باید حائز اهمیت باشد، این است که «سازمان دادن رقابت» روش و راهبردهای خاصی را می‌طلبد تا از مزایای آن در جهت رشد و پیشرفت استفاده شود و از بروز معایب آن، با اتخاذ شیوه‌های مطلوب، جلوگیری شود. اتخاذ روش مناسب، علاوه بر رعایت مراحل آماده‌سازی و اجرا، باید روی مرحله‌ی ارزشیابی تکیه‌ی خاصی داشته باشد و روش ارائه‌ی بازخورد را به گونه‌ای طراحی کند که مزایای رقابت درونی را هدف بگیرد و معایب رقابت بیرونی را بنمایاند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ذکر شده در این مقاله نتیجه می‌گیریم که بدون تردید آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان و تقویت کردن ارتباط اجتماعی کودکان به آن‌ها یاری می‌دهد تا نه تنها در برقراری روابط دوستانه با دیگران موفق شوند بلکه به واسطه‌ی همین روابط اجتماعی، فرصت‌های شغلی بهتری در آینده داشته باشند. بنابراین والدین و معلم، موظف هستند تا نسبت به تقویت روابط اجتماعی دانش‌آموزان و یادگیری روابط اجتماعی آن‌ها حساس باشند.

مهارت‌های اجتماعی برای ورود به جامعه ضروری و لازم می‌باشد. کودکان باید ضرورت مهارت‌هایی مانند نظم و ترتیب را درک کنند. رعایت و نهادینه شدن این مهارت‌ها نیازمند تداوم و یادآوری مداوم است.

و همچنین برای زندگی موفق در جامعه نیاز به روابط درست با افراد جامعه است. هر فردی برای حضور در جامعه در هر مقطع سنی و هر شرایطی از جمله دوران تحصیل، در شغل و یا روابط با دوستان نیاز به مهارت‌های اجتماعی و رعایت آداب اجتماعی درست خواهد داشت. بنابراین کودکان و دانش‌آموزان باید علاوه بر مهارت‌های فردی بتوانند مهارت اجتماعی خود را تقویت کنند

بنابراین نتیجه اساسی این است که، شروع مهارت‌های یادگیری دانش‌آموزان از خانواده شروع می‌شود. مدارس نیز منبع مفیدی برای یادگیری مهارت‌های اجتماعی است. مهارت‌های اجتماعی که کودک لازم است فرا بگیرد در برگیرنده طیف وسیعی از توانایی‌های گروهی، از آغاز، حفظ و پایان یک مکالمه ساده تا تشخیص علائم ارتباط اجتماعی و حتی پیچیده‌ترین آن‌ها مثل، فرایند حل مشکل و تعارض‌های به وجود آمده است. والدین می‌توانند مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را با استفاده از روش‌های گوناگون مثل مدل سازی، نقش بازی کردن و اجرای نمایش و تمرین به فرزندانشان بیاموزند.

مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان در مدرسه به خاطر ارتباط با افراد بیشتر پرورش پیدا می‌کند. چگونه خندیدن، رعایت فاصله اجتماعی نسبت به دیگران، چگونگی صحبت کردن، احوالپرسی با دیگران، گفتگو کردن با دیگران، بازی و کار کردن با دیگران، جلب توجه و

درخواست کمک، توانایی مهار پر خاشگری، آراستگی و بهداشت پایه و اساس مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان است.

منابع و مآخذ

۱. بهشتی، احمد (۱۳۸۷)، تربیت کودک در جهان امروز، قم، موسسه بوستان کتاب.
۲. پیتروست وود (۱۳۸۹)، آموزش و پرورش کودکان با نیازهای ویژه، نشر رشد، چاپ دوم.
۳. جوادی، مهناز (۱۴۰۱)، نقش مهارت آموزی در دانش آموزان و کاهش آسیب‌های اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد تبریز
۴. دیوید رینولدز، دانیل مويس (۱۳۸۴)، آموزش موثر: روش تدریس کارآمد، نشر رشد، جوانه رشد، چاپ اول.
۵. ستوده، هدایت (۱۳۸۹)، آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات آوای نور.
۶. سلسبیلی، نادر (۱۳۸۴)، عوامل موثر بر شکست تحصیلی، نشریه تعلیم و تربیت، شماره ۲۲-۸۳
۷. شاهبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۵)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات ژوبین .
۸. قاسمی گل افشانی، محمدرضا (۱۳۸۹)، آسیب‌های اجتماعی، رشد علوم اجتماعی، شماره ۳۲-۴۹.

۹. مهدیان شاهپوردی، اکرم (۱۳۹۱)، راهکارهایی برای افزایش مهارت های اجتماعی

در کودکان، دانشجوی کارشناسی ناپیوسته ی آموزش ابتدایی ، مرکز تربیت معلم

عترت